

شهروندان حلقه‌ای از زنجیره گسترش امنیت

هر هفته پرونده‌های سرقت در سکوت خبری و به دور از هیاهوی دنیای مجازی، در ادارات عملیاتی این پلیس کشف شده و متهمان زیادی راهی زندان می‌شوند. شاید بازنشر تصاویر صحنه یک سرقت توجهات افراد جامعه را درخصوص نتیجه پرونده به خود جلب کند، اما در نوع کار و عملکرد کارآگاهان این پلیس تأثیری ندارد و با وجود فضای مجازی و بدون فضای مجازی من و همکارانم کشف پرونده‌های سرقت و کلاهبرداری و جرائم جنایی را وظیفه خود دانسته و افسران



سردار علی ولیپور گودرزی
رئیس پلیس آگاهی پایتخت

پرونده در انجام آن کوچک‌ترین کوتاهی نمی‌کنند. برای تعداد زیادی از اصحاب رسانه این سؤال پیش می‌آید که بازنشر فیلم صحنه‌های سرقت چه تأثیری در مسیر کشف پرونده داشت. همان‌طور که فرمانده انتظامی تهران بزرگ نیز پیش‌تر به آن اشاره کردند پرونده‌هایی که فیلم آن در فضای مجازی منتشر می‌شود نیز همانند سایر پرونده‌های متشکله در پلیس آگاهی رسیدگی می‌شود و بازنشر کلیپ‌ها نه تنها موجب سرعت گرفتن دستگیری‌ها نمی‌شود که هوشیاری متهمان را در این خصوص که پلیس

تشر

۲ | ویژه‌نامه حوادث | روزنامه جام جم

چهارشنبه ۱۸ مهر ۱۴۰۳ | شماره ۱۰۷۸

۱۲ سالم بود که مصرف تریاک را تجربه کردم



سرگرد سمانه مهربانی
معاون اجتماعی پلیس آگاهی تهران بزرگ

روی نیمکت بازداشتگاه که نشست سعی کردم جوری نگاهش نکنم که بابت زخم روی صورتش احساس ناراحتی کند. زخمی که از کنار لب تا گوشش ادامه داشت. ۲۵ ساله‌ای که ۴۰ ساله به نظر می‌رسید.

از او خواستم از خودش بگوید:

«اسم من سیرین است و ۲۵ سال دارم. متولد یکی از شهرهای خراسانم و به جرم سرقت خودرو اینجا هستم، البته من سرقت نکردم. به همراه فردی در خیابان برای خرید مواد پرسه می‌زدیم که تصادف کردیم و او متواری شد و من ماندم با خودرویی که مشخص شد سرقتی است و زخم روی صورتم که به خاطر تصادف ایجاد شد. ۱۲ ساله بودم که با مشاهده مصرف مواد مخدر در خانه توسط پدر و مادرم من نیز پنهانی شروع به مصرف تریاک کردم. ۱۴ ساله بودم که والدینم متوجه شدند و مرا به کمپ فرستادند. ترک کردم اما دیگر در این چرخه باطل افتاده بودم. چند سال بعد با فردی که زن و بچه داشت از خانه فرار کردم و راهی تهران شدم. چند وقتی با او زندگی کردم و صاحب یک فرزند پسر شدم. بعد از تولد فرزندم شوهرم مرا رها کرد و من با فرزندم خردسال بلامکان شدم و هر شب یک‌جا می‌خوابیدم و در واقع کارتن خواب شده بودم. گدایی می‌کردم و تمام امید و دلخوشی‌ام در زندگی فرزندم بود که او را نیز در یک تصادف از دست دادم. تنها و دلشکسته کنار خیابان نشسته بودم و جایی برای رفتن نداشتم. همان‌طور که گنج و خواب‌آلود مجاله شده بودم کنار خیابان صدای آشنایی را شنیدم؛ سرم را بالا کردم و مردی را دیدم که می‌شناختمش، مثل من معتاد بود، اما بی‌خانمان نبود. از من خواست با او ازدواج کنم و همراه هم با مادرش زندگی کنیم. فکرش را بکنید آن قدر بی‌کس و بی‌پناه بودم که این پیشنهاد از سمت معتادی مثل خودم مثل یک معجزه بود. پذیرفتم و با او رفتم. در حال حاضر همسرم در کمپ ترک اعتیاد به سر می‌برد و من هم که به خاطر خرید مواد مخدر به اتهام سرقت خودرو اینجا هستم. می‌دانم که همه این‌ها به خاطر مصرف مواد به سرم آمده، ای کاش والدینم آن قدر بی‌ملاحظه جلوی چشم ما مواد مصرف نمی‌کردند. می‌توانستم مثل خیلی از دخترها درس بخوانم و سرنوشت دیگری داشته باشم اما مواد مخدر مسیر زندگی‌ام را رو به سقوط قرار داد.

نظریه کارشناس

برای این‌که فرزند شما رفتاری را از شما بیاموزد به تربیت مستقیم نیازی نیست. کودکان تماشاگران خاموش عادات رفتاری درست یا اشتباه والدین هستند. وقتی والدین بی‌توجه به تأثیر منفی رفتار خود، به استعمال مواد مخدر در برابر دیدگان فرزندان خود می‌پردازند آلودگی فرزندان به این بلای خانمانسوز دور از ذهن نیست. نمی‌شود انتظار داشت که شما به عنوان والدین به مصرف سیگار، قلیان و مواد مخدر بپردازید و بعد فرزندان خود را از آن نپوشانید و به گمان تان به وظیفه والدینی خود عمل کرده‌اید.

قیمت مواد مخدر تورم ندارد

مجید غمخور
گروه تیش

پنج مرد معتاد وقتی دیدند بازار خرید و فروش رینگ و لاستیک پژو ۴۰۷ داغ است تصمیم گرفتند با تشکیل باندی سراغ این روش سرقت بروند. اعتیاد و سابقه‌دار بودن نقطه مشترک اعضای این باند بود که برای تأمین هزینه‌های مواد مخدر هر روز لاستیک چند خودرو را سرقت می‌کردند. در ادامه گفت‌وگو با سرکرده این باند را می‌خوانید.

چند سال داری؟
۲۵ سال.

به نظر می‌آید کوچک‌ترین عضو باند هستی.
دقیقا. بقیه حدود دوبرابر من سن دارند.

چطور سرکرده باند شدی؟
سرکرده نیستم. من فقط پیشنهاد تشکیل این گروه را دادم اما رئیس باند نبودم.

حالا چه شد به فکر این شیوه سرقت افتادید؟
برادرم در حال خرید و فروش رینگ و لاستیک است. یک روز برایم تعریف کرد با افزایش تولید پژو ۴۰۷، بازار خرید و فروش رینگ و لاستیک آن هم داغ شده است. رینگ ۲۰۷ اسپورت است و گران. حالا اگر با قیمت پایین بفروشی مشتری زیاد دارد.

سابقه داری؟

من نه، اما همدستانم سابقه سرقت لوازم داخل خودرو دارند.

معتادی؟

تنها نقطه مشترک ما همین اعتیاد است.

چه موادی استفاده می‌کنی؟

شیشه و سورچی.

سورچی جدید است؟

نه، همان هرویین است که خلوص بیشتری دارد و گیرایی اش بالا رفته است.

روزی چقدر مصرف می‌کنی؟

یک گرم شیشه و یک گرم سورچی.

چقدر بابت خرید مواد می‌دهی؟

۸۰۰ هزار تومان. ۲۰۰ هزار تومان بابت شیشه و ۶۰۰ هزار تومان بابت سورچی.

از اول همین دو مواد را می‌کشیدی؟

نه، با تریاک شروع کردم، اما قیمتش زیاد شد. از طرفی با کشیدن آن حال خوب نمی‌شد. سراغ شیشه و سورچی آمدم. خوبی این دو مواد این است که چند سال است قیمتش ثابت مانده. در ایران مواد مخدر تنها ماده‌ای است که تورم ندارد و قاچاقچیان توانستند تورم آن را کنترل کنند.

چطور سرقت می‌کردید؟

همدستانم سارقان حرفه‌ای لوازم داخل خودرو بودند. در خیابان‌ها پرسه می‌زدیم و خودروهای پژو ۴۰۷ که لاستیکش تازه بود را شناسایی و اگر موقعیت مناسب بود صندوق عقب را باز کرده و جک ماشین را زیر آن زده و لاستیک و زاپاس با خودمان می‌بردیم. گاهی شرایط خوب بود و با گذاشتن آجر، هر چهار لاستیک را سرقت می‌کردیم. این روزها با افزایش تولید پژو ۴۰۷، اغلب ماشین‌ها مدل بالا هستند و رینگ و لاستیک خوبی دارند.

چقدر درآمدتان بود؟

هرکدام روزی حدود دویلمیون تومان. ۷۰۰ هزار تومان آن خرج موادممان می‌شد و بقیه را خرج غذا و جای خواب می‌کردیم.

هر رینگ و لاستیک را چقدر می‌فروختید؟

مالخر از ما نصف قیمت می‌خرید. حدود یک میلیون و ۵۰۰ هزار تومان می‌خرید و در سایت دیوار با مغازه‌اش سه میلیون تومان می‌فروخت.

بیشتر در چه مناطقی سرقت می‌کردید؟

غرب استان تهران.

داخل پارکینگ هم می‌رفتید؟

نه، ریسکش بالا بود. در محل‌هایی که دوربین نداشت و تاریک بود سرقت می‌کردیم. ماشین خود را کنار ماشین مورد نظر پارک کرده و بعد نقشه را اجرا می‌کردیم.

چطور دستگیر شدید؟

با افزایش شکایت‌ها، گشت‌های پلیس در غرب تهران فعال شدند و ماموران پلیس آگاهی یک روز به ما مشکوک شده و با متوقف کردن خودروی ما رینگ و لاستیک‌ها را در ماشین پیدا کردند و دستگیر شدیم.

ارزشش را داشت به زندان بروی و سابقه دار شوی؟
معتاد باشی و به خماری برسی، هر کار و هر چیزی ارزش پیدا می‌کند تا از این وضع خلاص شوی.

چرا سمت مواد رفتی؟

اولش تفریحی بود و در مهمانی‌های شبانه می‌کشیدم اما وقتی به خودم آمدم معتاد شده بودم. هر چه جلوتر می‌رفتم اعتیادم بیشتر می‌شد.